

چشمه‌ای در دل کویر



سرمقاله
اعظم طالقانی

در فرودست انگار، کفتری می خورد آب
یا که در بیشه دور، سیره‌ایی پر می شوید
یا در آبادی، کوزه‌بی پر می گردد

در روند زندگی انسان ماجراهایی رخ می دهد که ناخودآگاه انسان را به خودآگاهی سوق می دهد و او را درگیر ماجرای می کند که ذهن، پیش از آن تصویری از آن نداشته است.

ماجرای این قرار است که چند سال پیش، داده‌هایی درباره محیط زیست از طریق برخی دوستان و همراهان مؤسسه اسلامی زنان به دست من رسید. این داده‌ها شرایط اکوسیستم و وضعیت حیات وحش در جنوب ایران را شرح می داد؛ چشمه‌ای که از دل کویر می جوشد و برکه‌ای با آب زلال پدید آورده که ماهی‌های کوچک را دل خود میزبانی می کند.

داستان چشمه

آن طور که مردم محلی منطقه قورک در جنوب کشور می گفتند این چشمه بیست سال پیش بر اثر تغییرات طبیعی از دل زمین می جوشد، اما این آب زلال در این سال‌ها به جای اینکه در مسیر خود نخلستان‌ها را سیراب کند، تالاب‌هایی به وجود آورده و در نهایت به خلیج فارس می رسد. در واقع نه مردم و نه گیاهان بومی از این آب زلال بهره‌ای نمی برند و این نعمت الهی هدر می رود.

در سال ۱۳۸۰ با مطالعه دقیق به این نتیجه رسیدیم که با دولت وقت مکاتبه کنیم. از این رو به اداره جهاد کشاورزی شیراز نامه نوشتیم. پس از آن کارشناس مربوطه به منطقه آمد و به بررسی دقیق و فیلمبرداری از محل پرداخت. مردم محلی از این اتفاق بسیار شادمان بودند. دولت آقای خاتمی پس از طی مراحل کارشناسی اعتباری بالغ بر ۸۰۰ میلیون تومان به پروژه انتقال آب اختصاص داد. با پیمانکار قرارداد بسته شد و اجرای پروژه آغاز شد.

طرح و نقشه پروژه

قرار شد استخری در کنار چشمه احداث شود و آب ذخیره شده در استخر از طریق لوله‌هایی با قطر یک متر به سمت روستاهای اطراف و نخلستان‌ها هدایت شود. تعدادی از لوله‌ها کارگذاری شد، اما در حین

اجرای پروژه با تغییر دولت، این طرح همانند بسیاری از طرح‌های دیگر متوقف شد. مدت‌ها لوله‌ها در بیابان کویری در زیر آفتاب مانده بود تا در زمستان سال ۱۳۸۶ برای اینکه لوله‌ها سالم بماند آن‌ها را به انبار خود انتقال داد. در دولت هشت ساله آقای احمدی نژاد با تمام تلاش‌هایی که انجام شد، حتی یک ریال اعتبار برای پیشبرد پروژه اختصاص پیدا نکرد.

با شروع کار دولت یازدهم دوباره برگزاری جلسات و برقراری مکاتبات از سر گرفته شد. در پی این تلاش‌ها اعتباری در حدود ۲ میلیارد تومان برای پاکسازی لوله‌ها از شن و ماسه و ساخت استخر و تهیه پمپ و اصلاح سامانه برق‌رسانی پمپ تأمین شد، اما به دلیل کمبود بودجه اعتبار تصویب شده تخصیص پیدا نکرد و این پروژه همچنان ناتمام مانده است. آب زلال این چشمه جوشان همچنان مسیر خود را به سمت کویر طی می کند و در نهایت به آب‌های خلیج فارس سرآزیر می شود.

در اینجا نقدی به حاکمیت وارد است که با اتخاذ روش‌های نامناسب و نشناختن اولویت‌ها باعث تضییع حقوق شهروندان می شود، شهروندانی که در نبود احزاب فعال از رساندن صدای خود به حاکمیت ناتوان هستند. اهمیت احزاب در این است که می توانند نهاد واسط میان مردم و حاکمیت باشند. این گونه است که مسئولان امر هم پاسخگویی را وظیفه خود می دانند. در فقره اخیر مردم محلی تلاش زیادی کردند تا آب، این سرمایه ملی در مسیر آبادانی کشور قرار بگیرد، اما تلاششان به ثمر نرسید. با وضعیت موجود و کمبود نگران‌کننده منابع آبی، لازم است مسئولان احساس مسئولیت بیشتری در حفظ ذخایر آبی داشته باشند. هرگونه سهل‌انگاری در حفظ محیط زیست حکم خیانت به مردم این سرزمین و نسل‌های آینده را دارد.

بی گمان آنجا آبی، آبی است

غنچه‌ایی می شکفتد، اهل ده باخبرند

چه دهی باید باشد

کوچه باغش پر موسیقی باد!

مردمان سر رود، آب را می فهمند

گل نکردندش، ما نیز

آب را گل نکنیم